

اقتصاد در جغرافیای حافظ ابرو

همان‌طور که می‌دانیم بیشتر مطالب آثار مورخان ایرانی راه مسائل سیاسی و نظامی تشکیل می‌دهد و مسائل اقتصادی و حتی اجتماعی در این آثار کم‌تر بررسی شده است. این کم‌توجهی به اجتماع و اقتصاد تا دوره تیموری نیز حفظ شد. اما در این دوره، به تدریج شاهد رویکرد برخی از مورخان به مقوله‌های اجتماع و اقتصاد هستیم. حافظ ابرو نخستین مورخی است که با حجم وسیعی به بررسی مسائل اقتصادی در اثر جغرافیایی خویش پرداخته است و از این منظر، امتیازی برای وی در تاریخ‌نگاری ایران می‌توان متصور شد. پیش از بررسی ویژگی‌های صرفاً اقتصادی اثر جغرافیایی حافظ ابرو، بیان ویژگی‌های کلی تاریخ‌نگاری دوره تیموری ضروری به نظر می‌رسد.

ویژگی ممتاز تاریخ‌نگاری این دوره، همان گسترش افق دید برخی از مورخان هرچند درباری به زندگی اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی مردم این دوره است. اوج این تجلی را در آثار حافظ ابرو و به ویژه کتاب جغرافیای وی می‌توان دید.

زندگی شخصی و اجتماعی حافظ ابرو

شهاب‌الدین عبدالله خوافی در مقدمه‌ی تاریخ آل کرت، خود را بهداینی، از روستاهای زوزن از توابع خواف، معرفی می‌کند، اما ملقب بودن وی به حافظ ابرو به درستی مشخص نیست. وی پس از تحصیل در همدان، به خیل ملازمان تیمور وارد شد.^۵ چگونه وی از نزدیکان دستگاه مخوف تیموری درآمد؟ آیا اشخاصی (همان‌طور که رسم دربارهای ایرانی بود) در ورود وی به این دستگاه دخیل بودند؟ اطلاعاتی در این باره در دست نیست ولی ممکن است که وی به دلیل مهارت در نویسندگی و یا حتی به گمان صادق سجادی مصحح اثر جغرافیای حافظ ابرو، به دلیل تبحر در بازی مورد علاقه تیمور یعنی شطرنج این نفوذ را کسب کرده باشد.^۶ از آثار حافظ ابرو پیداست که این تقرب بسیار تحکیم داشته و او در بسیاری از سفرهای جنگی تیمور به ماوراءالنهر، ایران و شام حضور داشته است. از این روی، آثار وی

ویژگی‌های کلی تاریخ‌نگاری تیموری

یکی از شاخصه‌های مهم فرهنگی عصر تیموری، ترقی فن تاریخ‌نگاری است. اگر چه هرگز این پیشرفت به سطح تاریخ‌نویسی دوره ایلخانی نرسید؛ اما در نوع خود کم‌نظیر بود. تیمور نیز که مانند بیشتر فرمان‌روایان شهرت‌طلب به تاریخ و ماندگاری در آن تمایل داشت، به گسترش فن تاریخ‌نویسی یاری رساند، شکوفایی مراکز شهری در شرق ایران همانند سمرقند و هرات، انگیزه‌ی سیاسی، رفاه مادی، فضای فرهنگی و منابع فکری به این گسترش و به‌ویژه رشد تاریخ‌نگاری درباری منجر شد.^۱

این مکتب جدید تاریخ‌نگاری در دو قالب تاریخ‌نگاری عمومی و سلسله‌ای شکل گرفت. معیارهای تاریخ‌نگاری عمومی این دوره همان معیارهای سده‌های پیشین بود. یعنی بهره‌گیری از متون تاریخی و گزارش رویدادهای زمانه‌ی خود و پیوستگی به آن با روش ذیل‌نویسی. نمونه‌ی برجسته‌ی آن «مجمع‌التواریخ سلطانی» حافظ ابروست.^۲ تاریخ‌نگاری سلسله‌ای تیموریان هم پیشرفت خوبی داشت. در این زمینه نیز می‌توان از کتب «الوس اربعه چنگیزی»، «ظفرنامه‌ی شامی» و «ظفرنامه‌ی یزدی» نام برد.^۳ یکی دیگر از ویژگی‌های این مکتب تاریخ‌نگاری، نگارش کتب محلی است.^۴ اما به نظر می‌رسد



حافظ ابرو به دلیل موقعیت شغلی خویش از اوضاع سیاسی روزگار خویش آگاهی داشت و کمتر به افسانه‌نویسی می‌پرداخت و غالباً جانب حق را حفظ می‌کرد

تا حد زیادی مرهون مشهودات خود اوست که بسیار ارزشمند است، حافظ ابرو تألیفات زیادی دارد که همواره مورد استفاده‌ی نویسندگان معاصر وی چون **عبدالرزاق سمرقندی** و **میرخواند** قرار گرفته است.^۶ حافظ ابرو، که پس از مرگ تیمور، به دربار شاهرخ در هرات پیوست، چند اثر خود از جمله کتاب جغرافیا را به خواست این پادشاه تیموری تألیف کرد. وی همچنین در خدمت بایسنقر میرزا، فرزند هنرمند شاهرخ بود و کتاب «زبدۃ التواریخ» خویش را به نام وی نگاشت.^۸ این کتاب در واقع بخش چهارم اثر بزرگ‌تر وی یعنی «مجمع التواریخ» است. از آن جایی که این بخش مشهودات خود اوست، از اهمیت خاصی برخوردار است. مجمع‌التواریخ در واقع تقلیدی است از جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی و به همین دلیل به ذیل تاریخ رشیدی نیز معروف است که البته از نظر ارزش با کتاب فوق قابل سنجش نیست.^۹

سبک نگارش و روش کار حافظ ابرو

حافظ ابرو به دلیل موقعیت شغلی خویش از اوضاع سیاسی روزگار خویش آگاهی داشت و در آثارش آن چه را که از اشخاص معتبر می‌شنید، می‌نوشت و کمتر به افسانه‌نویسی می‌پرداخت و غالباً جانب حق را حفظ می‌کرد.^{۱۰}

صاحب‌نظران درباره‌ی سبک نگارش عهد تیموری معتقدند که نثر فارسی به تدریج از اغراق‌های صنعتی و فنی قرون پیشین فاصله گرفت و گرایش به سبک ساده و به دور از تکلفات ادبی رونق یافت؛ اما نباید فراموش کرد که نفوذ واژه‌های ترکی در آثار نویسندگان این دوره مشهود است.^{۱۱} در این دوره، با آثاری از هر دو سبک نگارش مواجه هستیم، ظفرنامه‌ی شاهی تألیف **نظام‌الدین شاهی** به سبک ساده و انشای روان نگاشته شده است ولی **ظفرنامه‌ی شرف‌الدین علی یزدی** با نثری مصنوع و مزین به اشعاری از خود نویسنده به رشته‌ی

تحریر درآمده است.^{۱۲} تاریخ مطلع السعدین **عبدالرزاق سمرقندی** و آثار **میرخواند** نیز به سبک مصنوع نوشته شده‌اند.^{۱۳} حافظ ابرو نیز در کتاب جغرافیای خویش از سبکی روان و به دور از تکلفات ادبی استفاده کرده است. البته به مناسبت‌های مکانی از اشعار و جملات ادبی فارسی و عربی نیز استفاده کرده است؛ اما در قیاس با آثار معاصر نثری ساده دارد. وی همواره رسم امانت‌داری را در آثار خویش حفظ و به منابع مورد استفاده خویش اشاره کرده است. اما کار ابتکاری وی، ذکر فهرست مطالب کتاب در ابتدای سخن است. این امتیاز در اثر جغرافیای وی نیز وجود دارد.

جایگاه اقتصاد در کتاب جغرافیای حافظ ابرو

این اثر به درخواست شاهرخ و در سال ۸۱۸۷ ه. ق تألیف شد. اساس کار وی در تألیف این اثر کتاب «المسالك الممالک و صور الاقالیم» است.^{۱۴} این اثر تا قرن نوزدهم ناشناخته بود؛ اما در این قرن با تلاش‌های **بارتولد معرفی** شد. این کتاب در دو جلد تألیف شده است. مؤلف در جلد اول مطالبی درباره‌ی نقشه‌ی جهان، مقدمه‌ی جغرافیا، مقدمه تاریخ، کیهان‌شناسی، توصیف دریاها، دریاچه‌ها، رودها، کوه‌ها عربستان اندلس، کرمان و فارس آورده است. در جلد دوم نیز مطالب فراوانی درباره‌ی جنوب اروپا، شمال آفریقا و غرب آسیا آورده است.

بررسی زندگی تجاری مردم مناطق مختلف امپراطوری تیموری از دیگر توجهاات اقتصادی حافظ ابرو است



اقتصادی و نحوه‌ی معیشت مردم از خود نشان داده است، به نظام اجتماعی و اقتصادی غالب بر جامعه که قطعاً همان نظام فئودالیت است اشاره نمی‌کند و به تعاملات دو رکن اساسی این نظام یعنی ارباب و رعیت نمی‌پردازد. همین‌طور تأثیرات منفی حملات مکرر تیمور در اوضاع اقتصادی جامعه ایران در این اثر مسکوت مانده است. شاید این امر با وابستگی مورخ به حکومت تیموری توجیه‌پذیر باشد.

بررسی زندگی تجاری مردم مناطق مختلف امپراطوری تیموری از دیگر توجهاات اقتصادی حافظ ابرو است. وی در این بررسی به تولیدات خاص مناطق و صدور کالاها از آن محل به سایر نقاط، ارتباطات تجار و مناطق مختلف یا یکدیگر، نقش و اهمیت راه‌های ارتباطی و جایگاه بازار در برخی از شهرهای مهم توجه خاصی نشان داده است. وی بازارهای شهرها را شریان مهم تجاری می‌داند و به عنوان نمونه به توصیف بازارهای قسطنطنیه^{۲۳} و بصره^{۲۴} پرداخته است. زمانی میزان این توجه و دقت حافظ ابرو بر ما بیشتر مشخص می‌شود که می‌بینیم وی حتی به نوع این تجارت (که از راه خشکی و یا دریا است) نیز اشاره کرده است.^{۲۵} از آنجایی که امر تجارت به مقوله راه‌ها و جاده‌های مواصلاتی بستگی تام دارد، بخش بزرگی از کتاب جغرافیای حافظ ابرو به بررسی راه‌ها و جاده‌های ارتباطی و نیز فاصله‌ی شهرها از هم اختصاص یافته است. وی در محاسبه‌ی فاصله‌ی شهرها از واحدی به نام (مرحله) نام برده و گاهی هم این فاصله‌ها را به لحاظ زمانی (روز) سنجیده است.^{۲۶}

وی همچنین، به صنایع دستی مردم مناطق مختلف مانند حصیربافی در (کوار)^{۲۷}، جامه‌بافی (تستر)^{۲۸}، شمشیرسازی (اسکندریه)^{۲۹}، قبا و کفش‌دوزی (نوشاد خراسان)^{۳۰}، سنگ تراشی (بیستون)^{۳۱}، رنگرزی (فلسطین)^{۳۲}، ظروف آبگینه (طره)^{۳۳} و ... اشاره می‌کند.

استخراج معادن سهل‌الوصول، یکی دیگر از فعالیت‌های اقتصادی مردم مناطق مختلف بود، که این مقوله نیز از دید تیز حافظ ابرو پنهان نمانده است. این معادن در برخی مناطق یاقوت^{۳۴}، طلا، نقره^{۳۵} و لاجورد^{۳۶} است و در برخی مناطق «مس»^{۳۷}، آهن^{۳۸}، سرب، سیمان، نفت^{۳۹} و ... استخراج برخی از این معادن با مشکل مواجه بوده که حافظ ابرو به این قضیه اشاره کرده اما معمولاً چگونگی این مشکلات را ننوشته است، و تنها در یک مورد علت دشواری استخراج معدن لاجورد را «انقطاع عمارت» ذکر کرده است.^{۴۰}

مردم در برخی از مناطق ساحلی به ماهی‌گیری اشتغال داشته‌اند و مهم‌ترین منبع درآمد آنان از این فعالیت بوده است.^{۴۱} حتی در برخی نواحی علت روی‌آوری مردم آن محل به ماهی‌گیری را ضعف

از آن جایی که حرفه‌ی اصلی وی تاریخ‌نگاری است، از ذکر حوادث تاریخی به هنگام توصیف جغرافیایی برخی مناطق ایران خودداری نکرده است.^{۴۲} بنابراین این اثر حوزه‌ی جغرافیایی بسیار وسیعی از شمال خراسان تا شمال آفریقا را در برمی‌گیرد و این همان بخش بزرگ متصرفات تیمور است.

حافظ ابرو در ابتدای کتاب، درباره‌ی ضرورت وجود انواع حرف و صنایع برای دوام و بقای زندگی بشر سخن گفته است. وی به برخی از مفاهیم اقتصادی چون شغل، تعاون، توافق و نیازمندی‌های اقتصادی انسان‌ها به هم تأکید کرده است.^{۴۳} سپس به بررسی جغرافیایی مناطق مختلف قلمرو و تیمور پرداخته است. وی در این بررسی، به فعالیت‌های اقتصادی مردم آن محل، امکانات و منابع اقتصادی آن، وضع معیشت و دشواری‌های اقتصادی مردم توجه فراوانی نشان داده است. فعالیت‌های اقتصادی مردم این مناطق را غالباً کشاورزی، تجارت، صنایع دستی، ماهی‌گیری و در برخی مناطق استخراج معادن تشکیل داده است. وی در توصیف وضعیت کشاورزی هر منطقه، محصولات کشاورزی آن محل را نام برده^{۴۴} و گاهی هم به نوع آبیاری کشت آن منطقه که دیمی و یا توسط انسان است، اشاره کرده است.^{۴۵} وی هم‌چنین به توصیف نحوه‌ی آبرسانی برخی از شهرها (رود، چاه و یا کاریز) پرداخته است.^{۴۶}

تشریح برخی از رودهای مهم و توصیف انشعاب‌های آن^{۴۷} نیز نشان‌گر توجه حافظ ابرو به نبض حیات اقتصادی انسان‌ها یعنی آب است. اما در ذکر برخی از شهرها و یا روستاها به تخریب کشاورزی آن محل اشاره می‌کند^{۴۸} ولی دلیل این ویرانی را نمی‌نویسد و همین‌طور در توصیف برخی از مکان‌ها به آبادانی آن در گذشته و ویرانی آن در زمان خویش اشاره دارد.^{۴۹} هرچند وی درباره‌ی چگونگی و علت این تخریب سکوت کرده است؛ اما می‌دانیم که هجوم قوم تاتار به سرکردگی تیمور می‌تواند علت مهم این ویرانی باشد.

برخی از پژوهش‌گران معاصر معتقدند که حیات اقتصادی عهد تیموری بسیار کمتر از تصور ما تحت تأثیر ویرانی‌های تیمور قرار گرفت. در این میان تمایل استقلال‌خواهی شاهزادگان تیموری بر رفع خرابی‌ها تأثیر مثبت گذاشت. زیرا آنان به حاکمیت بر شهرهای آباد علاقه‌مند بودند. در کل ویرانی‌های کشور همانند ویرانی‌های ناشی از حمله‌ی مغولان نبود و در برخی مناطق سطح زراعت به دوران پیش از حمله‌ی مغول رسید؛ اما روستاییان کماکان به دلیل افزایش خودسرانه مالیات و سوء استفاده‌های مأموران حکومتی به فقر و فلاکت دچار بودند.^{۵۰}

متأسفانه حافظ ابرو علی‌رغم دقت و موشکافی که در زندگی

می‌توان حافظ ابرو را در روزگار خویش پیش‌رو چنین تحول مهم در امر تاریخ‌نگاری دانست



- ۱۴- حافظ ابرو، پیشگفتار، ج ۱، ص ۱۸
- ۱۵- همان، ص ۲۰-۱۹
- ۱۶- همان، ص ۶۰ ج ۱
- ۱۷- همان، ص ۲۲۷، ج ۱، ص ۲۲۴، ج ۱، ص ۱۶۲، ج ۱، ص ۱۱۷، ج ۲
- ۱۸- همان، ص ۱۱۱، ج ۲، ص ۲۵۹، ج ۱، ص ۳۱۳، ج ۱
- ۱۹- همان، ص ۱۶۸، ج ۱، ص ۱۶۵، ج ۱
- ۲۰- همان، ص ۱۷۱، ج ۱، ص ۱۶۵، ج ۱، ص ۲۱۵، ج ۱
- ۲۱- همان، ص ۱۱۳-۱۱۲، ج ۲
- ۲۲- همان، ص ۱۱۲ و ص ۲۴۱
- ۲۳- روبرت رویمرهانس، ایران در راه عصر جدید، ترجمه آذر آهنچی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۸۳
- ۲۴- همان، ص ۴۵۰، ج ۱
- ۲۵- همان، ص ۸۲، ج ۲
- ۲۶- حافظ ابرو، ص ۳۰۱، ج ۱
- ۲۷- همان، ص ۲۳۳، ج ۱، ص ۲۱۳، ج ۱، ص ۲۱۷-۲۱۳، ج ۱
- ۲۸- همان، ص ۱۲۲، ج ۲
- ۲۹- همان، ص ۹۳، ج ۲
- ۳۰- همان، ص ۳۰۴، ج ۱
- ۳۱- همان، ص ۱۹۵، ج ۱
- ۳۲- همان، ص ۱۹۱، ج ۱ و ص ۳۱۰، ج ۱
- ۳۳- همان، ص ۱۲۸، ج ۱
- ۳۴- همان، ص ۲۵۵، ج ۱
- ۳۵- همان، ص ۱۰۱، ج ۱
- ۳۶- همان، ص ۱۹۵، ج ۱
- ۳۷- همان، ص ۱۸۱، ج ۱
- ۳۸- همان، ص ۱۹۵، ج ۱
- ۳۹- همان، ص ۲۵۱، ج ۱ و ص ۲۲۸، ج ۱
- ۴۰- همان، ص ۱۹۵، ج ۱
- ۴۱- همان، ص ۱۸۱، ج ۱
- ۴۲- همان، ص ۱۲۷، ج ۱
- ۴۳- همان، ص ۱۲۶، ج ۱
- ۴۴- همان، ص ۲۵۹، ج ۱
- ۴۵- همان، ص ۸۷، ج ۱
- ۴۶- همان، ص ۱۲۶۳، ج ۲
- ۴۷- همان، ص ۱۳۸، ج ۲
- ۴۸- آژند، ص ۳۱۶
- کشاورزی در آن محل ذکر کرده است.^{۳۳} این مقدار از توجه به نوع فعالیت اقتصادی مردم یک محل و حتی علت گرایش آنان به یک نوع فعالیت تا پیش از حافظ ابرو و حتی معاصر با وی بی‌نظیر است. حتی در برخی صفحات این اثر مشاهده می‌شود که این مورخ تیزبین به توصیف سطح اقتصادی مردم پرداخته و درباره‌ی رفاه و فقر آنان اظهار نظر کرده است. چنان‌چه اهالی شهر فارس در مغرب اقصی را غنی^{۳۴} و ساکنان شهر عبادان را فقیر^{۳۵} توصیف کرده است و یا تنها منبع درآمد اهالی روستایی را فروش سنگ آسیا^{۳۶} و بیشتر اهالی شهر را تاجر^{۳۷} ذکر کرده است.
- مباحث اقتصادی فوق در هیچ اثری تا زمان حافظ ابرو مشاهده نشده است و ما هیچ مورخی که تا به این سطح به مقوله اقتصاد اعتنا نماید، سراغ نداریم و می‌توان حافظ ابرو را در روزگار خویش پیش‌رو چنین تحول مهم در امر تاریخ‌نگاری دانست. البته به دور از انصاف خواهد بود، اگر کوشش هرچند اندک مورخ معاصر وی، یعنی کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی، در مطلع السعدین و نیز در اثر دیگری از او که به هنگام سفرش به هند نگاشته است، نادیده بگیریم. اما گفته می‌شود که وی در تألیف برخی از آثار خویش به حافظ ابرو تاسی جسته است.^{۴۸}
- پی‌نوشت:**
- ۱- آژند، یعقوب؛ تاریخ‌نگاری در ایران؛ نشر گستره، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۱۷
- ۲- همان؛ ص ۱۵۳
- ۳- همان؛ ص ۱۵۷-۱۵۶
- ۴- میرجعفری، محمدحسین؛ تاریخ تیموریان و ترکمانان؛ دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۷۳
- ۵- خوافی، شهاب‌الدین عبدالله (حافظ ابرو)؛ جغرافیای حافظ ابرو؛ جلد ۱، تصحیح صادق سجادی، بنیان، ۱۳۷۵ ش، پیش‌گفتار ص ۱۶
- ۶- همان‌جا
- ۷- میرجعفری، ص ۱۷۵
- ۸- حافظ ابرو، پیشگفتار، ج ۱، ص ۱۷
- ۹- بیات، عزیزالله؛ شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران؛ امیرکبیر، ۱۳۷۰، ص ۱۵۱-۱۵۰
- ۱۰- همان، ص ۱۵۲-۱۵۱
- ۱۱- میرجعفری، ص ۱۸۷
- ۱۲- بیات، عزیزالله، ص ۱۷۵
- ۱۳- همان، ص ۲۰۲